

بررسی اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر نگرش کلی دانش‌آموزان نسبت به سوءمصرف مواد مخدر

فرامرز سهرابی^۱
افسر خلیلی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش کلی نسبت به مواد مخدر و سنجش میزان پایداری آن در دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهر یزد طراحی و اجرا شد. روش پژوهش در دو سطح توصیفی - تحلیلی و نیمه تجربی بود. ۴۰ دانش‌آموز دبیرستانی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس از بین دانش‌آموزان گروه نمونه، نیمی از دانش‌آموزان برنامه‌ی آموزشی مهارت تفکر انتقادی دریافت نمودند. میزان اثربخشی برنامه‌ی آموزشی با مقیاس «نگرش نسبت به سوءمصرف مواد» ارزیابی شد. داده‌های پژوهش به کمک آزمون تحلیل کوواریانس و آزمون t زوجی تحلیل گردیدند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که برنامه‌ی آموزشی مهارت تفکر انتقادی، موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوءمصرف مواد می‌شود. همچنین نتایج نشان داد که اثر بخشی این برنامه‌ی آموزشی به مدت سه ماه پایدار است. نتایج تحقیق حاضر در اثربخشی برنامه‌ی آموزشی مهارت تفکر انتقادی در تغییر نگرش دانشجویان نسبت به

۱- دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

۲- کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی.

سوءمصرف مواد با نتایج تحقیقات پیشین همسو می‌باشد و اجرای این برنامه آموزشی به منظور پیشگیری از سوءمصرف مواد در دانش‌آموزان توصیه می‌گردد.

واژگان کلیدی: مهارت تفکر انتقادی، نگرش، نگرش نسبت به مواد مخدر، سوءمصرف.

مقدمه

امروزه مسأله مواد مخدر شکل مخاطره‌آمیز و کاملاً پیچیده به خود گرفته و در عین حال گسترش جهانی یافته است. به طوری که سوءمصرف مواد به عنوان یکی از چند مشکل سلامت ملی تعریف شده است و حدود ۱۰ درصد از مردم از داروها و الکل سوءمصرف می‌کنند (مرسی^۱، ۲۰۰۳، به نقل از اسمیت^۲، ۲۰۰۶).

بنابه نظر باتوین و باتوین^۳ (۱۹۹۷)، درمان اعتیاد و شکستن چرخه‌ی معیوب آن گران و دشوار است و سیستم درمانی جامعی با رویکردهای مختلف دارودرمانی، روان‌درمانی، بازپروری^۴ را می‌طلبد. تأکید افراطی بر یکی از جنبه‌ها و رها ساختن سایر موارد با شکست درمان و عود بالا همراه است (به نقل از عبدالله‌پور، ۱۳۸۷).

مستقیم‌ترین روش مداخله به منظور ارتقای توانایی‌های روانی - اجتماعی، مداخله‌هایی است که منابع مقابله‌ای اشخاص و توانایی‌های شخصی و اجتماعی آنان را تقویت می‌کند. از آنجا که موضوع نگرش افراد در بسیاری از مباحث روانشناسی از جمله روانشناسی اجتماعی، شناختی و... مورد نظر بوده است و روانشناسان معتقدند که میان نگرش افراد و تأثیر بر عملکرد ایشان و رفتارشان رابطه‌ای مستحکم وجود دارد و می‌دانیم که افراد بر اساس نوع باوری که نسبت به مواد مخدر دارند، یا به مصرف آن روی می‌آورند و یا این که مصرف مواد را ترک می‌کنند. بنابراین، یکی از راه‌های کنترل تقاضا، تغییر نگرش افراد نسبت به سوءمصرف مواد مخدر است. نگرش‌ها بخش اصلی

1- Mersy

3- Botvin & Botvin

2- Smith

4- rehabilitation

هویت انسان هستند و مرکز و محور روانشناسی اجتماعی، زیرا بر رفتار، پردازش اطلاعات و رویارویی اجتماعی تأثیر گذاشته و بخشی از خودانگاره فرد را تشکیل می‌دهند (بوهنر و وانک، ۲۰۰۲).

تفکر انتقادی به مثابه‌ی یکی از مهارت‌های زندگی، بیشتر به عنوان توانایی افراد متفکر برای به چالش کشیدن تفکراتشان درک می‌شود. این توانایی مستلزم این است که آنها محک‌ها و معیارهای خود را برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی تفکراتشان گسترش دهند و به صورت عادی از آن معیارها و استانداردها برای گسترش کیفیت تفکراتشان استفاده کنند (پاول و الدر، ۱۹۹۸).

لیپمن^۲ (۱۹۹۸) اظهار می‌دارد که «تفکر انتقادی، تفکری ماهرانه و پاسخگو است که داوری خوب را تسهیل می‌کند زیرا متکی بر ملاک، خود تصحیح‌کننده^۳، و نسبت به شرایط حساس است».

آموزش تفکر انتقادی^۴ که یکی از انواع مهارت‌های زندگی^۵ است، به منظور بالا بردن سطح ارتقاء بهداشت روانی و غلبه یافتن بر ضعف‌های فرد است که گمان می‌رود خطر سوء مصرف مواد را افزایش دهد. آموزش تفکر انتقادی بر بعضی از متغیرهای میانجی‌گر از قبیل شناخت‌ها و نگرش‌های نوجوانان نسبت به مواد مخدر که بر رفتار وی تأثیر دارد اثر می‌گذارد.

رزنو، مونتای، رایبونیس و گالیور^۶ (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای به مقایسه نقش آموزش از طریق نمایش و آموزش مهات‌های مقابله‌ای، بر پیشگیری از سوء مصرف الکل در بیماران بستری در بیمارستان با پیگیری ۶ ماهه و یک ساله پرداختند. ۸۶ درصد بیماران در شش ماه اول و ۸۴ درصدشان در طول یک سال در معرض اطلاعات و آموزش قرار گرفتند.

نتایج نشان داد که هر دو آموزش به کاهش مصرف الکل منجر گردید. ولی بعد از

1- Paul & Elder

3- self-correcting

5- life skills

2- Lipman

4- critical thinking

6- Rohsenow & Monti & Rubonis and Gulliver

دوازده ماه مشخص شد که روش آموزش از طریق نمایش، کاهش بیشتری در مصرف الکل داشته و استراتژی‌های مناسب تری برای مقابله با مصرف به دنبال داشته است (به نقل از رحمتی، ۱۳۸۳).

در مطالعه‌ی باتوین، گریفین، دیاز و آی فیل - ویلیامز (۲۰۰۱)، یک مداخله پیشگیرانه مدرسه - محور بر روی نمونه‌ای از دانش‌آموزان اقلیت ($n=3621$) در ۲۹ مدرسه‌ی شهر نیویورک آزمون گردید. برنامه‌ی مداخله مهارت‌های امتناع از مواد، هنجارهای ضدمواد، مهارت‌های خود مدیریتی شخصی و مهارت‌های اجتماعی عمومی را آموزش می‌داد تا دانش‌آموزان را به دانش و مهارت‌های لازم برای مقاومت در مقابل تعارف مواد تجهیز نماید، انگیزه‌ی مواد را کاهش دهد و اثر برنامه مداخله را بر متغیرهای شناختی، شخصیتی و نگرش نسبت به مواد گزارش نماید. نتایج نشان داد آن دسته از دانش‌آموزان که برنامه مداخله را دریافت کردند میزان مصرف و انگیزه‌ی مصرف مواد نسبت به گروه کنترل در آنها کاهش یافته بود. همچنین این برنامه اثرات مستقیمی بر متغیرهای میانجی‌گر از جمله نگرش نسبت به مواد داشت که به عنوان یک پیش‌نیاز مهم از مصرف مواد توسط نوجوانان نقش دارد (به نقل از رحمتی، ۱۳۸۳).

ارکارت و همکاران (۱۹۹۱)، در تحقیق خود تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری و مراحل حل مسأله به صورت ایفای نقش را بر مصرف سیگار، الکل و سایر مواد مخدر را سنجیدند و به این نتیجه رسیدند که این آموزش باعث کاهش مصرف سیگار و الکل سایر مواد مخدر در گروه آزمایش شده است (عبدالله‌پور، ۱۳۸۷).

یونسی (۱۳۸۰)، در پژوهشی تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد به مواد مخدر را مورد بررسی قرار داد. جمعیت مورد مطالعه را ۱۶۶۵ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های مناطق ۲۰ گانه‌ی شهر تهران بود. هدف از انجام پژوهش کاهش انگیزه‌ی نوجوانان در گرایش به سمت مواد مخدر با تغییر در جنبه‌های شناختی و نگرشی آنان بود. نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و گواه در هر یک از ده عامل پرسشنامه‌ی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین ترتیب،

برنامه آموزش پیشگیری از اعتیاد توانسته بود منفی‌سازی نگرش دانش‌آموزان را در سه جنبه‌ی عاطفی، شناختی و رفتاری به دنبال داشته باشد.

طارمیان (۱۳۸۰)، پژوهشی را با عنوان «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر دانش‌آموزان سال اول راهنمایی» و در قالب یک طرح پژوهشی گروه کنترل نابرابر با استفاده از پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام داد. اندازه نمونه ۱۸۶۲ نفر و از مدارس سراسر شهر تهران و ۷ منطقه از شهرستان‌های استان تهران انتخاب شد. یکی از فرضیه‌های اصلی این پژوهش به تأثیر برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر بوده است. نتایج حاکی از اثبات این تأثیر بوده است به این معنی که دانش‌آموزان شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی نسبت به گروه کنترل نگرش منفی‌تری نسبت به مواد مخدر پیدا کرده بودند.

رحمتی (۱۳۸۳)، در تحقیق خود که با عنوان «تأثیر آموزش مهارت‌ای مقابله‌ی به شیوه‌ی بحث گروهی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوءمصرف مواد مخدر» انجام شد، به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی توانست نگرش دانش‌آموزان در گروه آزمایش را نسبت به گروه کنترل به طور معناداری تغییر دهد و نسبت به سوءمصرف مواد مخدر منفی‌تر سازد. ضمن اینکه تأثیر مداخله آموزشی در تغییر هر سه جنبه‌ی شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوءمصرف مواد نیز معنادار بود. در تحقیقی که (عبدالله‌پور، ۱۳۸۷)، با عنوان تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوء مصرف مواد انجام داد به این نتیجه رسید که این مداخله آموزشی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر مؤثر بوده است.

با توجه به این شرایط، به نقش مدارس به عنوان مرکزی مهم و حیاتی برای پیشگیری از این آسیب و آسیب‌های دیگر توجه ویژه‌ای شده است. در برنامه‌های مربوط به پیشگیری از اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر در مدارس، برنامه‌های آموزشی جایگاه

ویژه‌ای دارد. این برنامه‌ها با هدف کاهش تقاضا یعنی ایجاد نوعی مصونیت ذهنی و روانی در برابر سوءمصرف مواد مخدر تدوین و اجرا می‌شوند.

با توجه به مسائل مطرح شده، هدف از این تحقیق تعیین میزان تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی بر نگرش کلی نسبت به سوءمصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان و همچنین سنجش میزان پایداری این آموزش به مدت سه ماه می‌باشد.

روش تحقیق

طرح کلی این پژوهش با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش یک طرح آزمایشی^۱ با پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه کنترل است؛ بدین صورت که پس از انتخاب گروه نمونه و انتصاب تصادفی آنها به گروه‌های آزمایشی و کنترل، از هر دو گروه در یک زمان پیش‌آزمون به عمل آمد.

پس از آن برنامه‌ی آموزش تفکر انتقادی را در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ی به صورت هر هفته یک جلسه برای گروه آزمایش به اجرا درآمد و برای گروه کنترل هیچ برنامه‌ی اجرا نشد. پس از پایان این مدت به منظور مقایسه اثر این مداخله از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد و نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت.

جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری در این طرح کلیه دانش‌آموزان پسر سال اول مقطع دبیرستان استان یزد بودند که در سال ۸۸-۸۷ مشغول به تحصیل بودند. هر چند در این پژوهش به دلیل محدودیت‌هایی، امکان هم‌تا کردن آزمودنی‌ها به لحاظ سطح اعتیادپذیری و نوع نگرش نسبت به مواد مخدر وجود نداشت، ولی دانش‌آموزان از بسیاری از جهات از قبیل سن، سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی در یک سطح قرار داشتند. روش نمونه‌گیری در این

1- experimental Design

پژوهش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بود. بدین صورت که از میان شهرهای استان یزد، شهر یزد از طریق روش قرعه‌کشی تصادفی انتخاب و مجدداً از طریق همین روش یک دبیرستان پسرانه از میان دبیرستان‌های پسرانه این شهر انتخاب شد. بعد از آن لیست کلیه کلاس‌های مقطع اول دبیرستان تهیه و از طریق قرعه‌کشی دو گروه از بین آنها انتخاب شد. در نهایت نیز از طریق گمارش تصادفی یک گروه به گروه کنترل و یک گروه به گروه آزمایش تخصیص داده شد. تعداد افراد هر گروه ۲۰ نفر بود. بنابراین، کل آزمودنی‌های ما در این پژوهش در گروه آزمایش و کنترل ۴۰ نفر بودند.

ابزارهای اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق، پرسشنامه نگرش‌سنج نسبت به مصرف مواد مخدر بود که توسط رحمتی (۱۳۸۳) تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۳۴ ماده است که پاسخگویان نظرات خود را درباره هر ماده در قالب سه گزینه بیان می‌کنند. یکی از گزینه‌ها صفر یعنی نگرش منفی و دیگری ۱ که نشانگر نگرش متوسط و دیگری ۲ کدگذاری می‌شود که نشانگر نگرش مثبت نسبت به سوءمصرف مواد مخدر است، که حداقل نمره هرفرد صفر و حداکثر نمره‌ی وی ۶۸ خواهد بود.

ضریب پایایی کل پرسشنامه نگرش نسبت به سوءمصرف مواد با استفاده از بازآزمایی به فاصله یک هفته برابر $0/80$ و با روش هم‌هنگی درونی (آلفای کرونباخ) $0/803$ به دست آمده است.

در پژوهش حاضر، ضریب پایایی پرسشنامه نیز با دو روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ محاسبه شد. ۳۰ نفر از دانش‌آموزان به صورت جداگانه پرسشنامه نگرش‌سنج را پاسخ دادند. دو هفته بعد دوباره این پرسشنامه به آنها داده شد و آنها جواب دادند. ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی $0/71$ به دست آمد. آلفای کرونباخ نیز $0/85$ به دست آمد. برای به دست آوردن روایی صوری، پرسشنامه توسط پژوهشگر برای ۵ نفر از اساتید متخصص ارسال شد و در نهایت روایی صوری و محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت.

متغیر مستقل در این تحقیق، برنامه‌ی مداخله آموزشی (آموزش مهارت تفکر انتقادی) بود که در قالب ۸ جلسه ۹۰ دقیقه بر روی گروه آزمایش اجرا شد. محتوای آموزش شامل الف - ۵ مرحله‌ی فنون عملی تفکر انتقادی (۱- فعال‌سازی جریان تفکر ۲- واریسی گسترده و مداوم موقعیت‌های تفکر و تأمل با سوال کردن ۳- بررسی دقیق منابع اصلی افکار و عقاید و ارزیابی آنها ۴- توانایی نقد و بررسی راه‌حل‌ها بدون مطرح نمودن جایگزین ۵- مشاهده فرایندها و موقعیت‌ها از دیدگاه‌های مختلف و ارزیابی دلایل و شواهد آنها) ب - آموزش ده مهارت تفکر انتقادی با ذکر مثال با این محتوا: ۱- تشخیص بین واقعه قابل اثبات با داعیه‌های ذهنی، ۲- تشخیص اطلاعات، ادعاها، و استدلال‌های معتبر از نا معتبر، ۳- تعیین درستی واقعی اظهار نظر، ۴- تعیین اعتبار منابع، ۵- تعیین ابهام‌های ادعاها و مباحث، ۶- مشخص کردن پیش‌فرض‌های بیان نشده، ۷- تشخیص سوگیری‌ها، ۸- مشخص کردن خطاهای منطقی، ۹- تشخیص ناهمخوانی‌های منطقی در یک استدلال، ۱۰- تعیین نقاط قوت یک بحث یا یک ادعا.

متغیر وابسته در تحقیق حاضر تغییر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف مواد بود که میزان تغییرات آن با تفاضل نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مشخص می‌شد. داده‌های این پژوهش با توجه به ماهیت تحقیق با استفاده از آمار توصیفی، پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه در نمره‌ی نگرش محاسبه و در جداول تنظیم شدند. فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از این که ۱- آموزش مهارت تفکر انتقادی موجب تقویت نگرش منفی دانش‌آموزان نسبت به سوء مواد مخدر می‌شود. ۲- تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی به مدت سه ماه پایدار است. به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق و تحلیل آماری داده‌ها از آزمون کوواریانس یک‌طرفه و همچنین برای سنجش تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی به مدت سه ماه، از آزمون t زوجی استفاده شد.

یافته‌ها

جدول شماره (۱) آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد تفاضل نمرات نگرش

نسبت به سوءمصرف مواد بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد.

نمره‌ی بالا در پرسشنامه نگرش نسبت به سوءمصرف مواد، به معنی نگرش مثبت و گرایش به سوءمصرف مواد می‌باشد. نتایج حاصل نشانگر این مطلب است که میانگین نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش کاهش یافته است.

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد نمرات پرسشنامه نگرش نسبت به سوءمصرف مواد مخدر در گروه آزمایش و کنترل

کنترل		آزمایش		
S	\bar{X}	S	\bar{X}	
۸/۷۱	۲۰/۲۵	۱۰	۲۶/۲۲	پیش‌آزمون
۱۱/۱۶	۱۹/۳۸	۵/۴۵	۱۴/۳۳	پس‌آزمون

برای بررسی معناداری تفاوت بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل از دو روش تحلیل کوواریانس تفاوت نمرات پیش‌آزمون پس‌آزمون استفاده شده است که نتایج آن در جداول بعدی ارائه شده است. نتایج حاصل از اجرای تحلیل کوواریانس و مفروضه‌های آن در نمره نگرش نسبت به مواد مخدر در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول (۲) آزمون تحلیل کوواریانس مقایسه گروه آزمایش و کنترل در نمره نگرش نسبت به سوءمصرف مواد

همگنی واریانس‌ها		همگنی شیب‌ها		تحلیل کوواریانس		متغیر
F	سطح معنی‌داری	F	سطح معنی‌داری	F	سطح معنی‌داری	
۰/۳۴	۰/۵۶	۲/۳۸	۰/۱۰۸	۵/۲۲	۰/۰۲۹	نمره نگرش

بر اساس جدول شماره ۲، نتایج حاصل از آزمون لوین در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر در سطح ۵٪ معنادار نمی‌باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر برابری واریانس‌ها در

هر دو گروه تأیید می‌گردد. همچنین نتایج حاصل از بررسی شیب خط رگرسیون در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر (آزمون همگنی شیب‌ها) نشان می‌دهد که F مشاهده شده در سطح ۵٪ معنادار نیست. بنابراین، فرض همگنی شیب‌ها در گروه آزمایش و کنترل نیز تأیید می‌گردد. همانگونه که ملاحظه می‌شود تحلیل کواریانس در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر معنادار است.

این بدان معناست که فرضیه‌ی اول پژوهش مبنی بر اینکه آموزش مهارت تفکر انتقادی موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوءمصرف مواد می‌شود، تأیید می‌گردد. یعنی نگرش کلی نسبت به مواد مخدر با آموزش مهارت تفکر انتقادی تغییر کرده است. به عبارت دیگر آموزش مهارت تفکر انتقادی بر نگرش کلی نسبت به مواد مخدر تأثیر گذاشته است.

برای پاسخ به این سوال که آیا تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی به مدت سه ماه پایدار است یا خیر. بعد از سه ماه پس از آزمون دیگری گرفته شد تا میزان پایداری آموزش سنجیده شود. که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول (۳) خلاصه اطلاعات آزمون t زوجی، به منظور مقایسه میانگین نمرات کل پرسشنامه دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر در دو حالت بلافاصله پس از آموزش و ۳ ماه بعد از آموزش

گروه‌ها	\bar{X}	S	تفاضل میانگین‌ها	S	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
بلافاصله پس از آزمون	۱۲/۷۷	۱/۱۰	-۰/۹۴	۱/۱۴	۰/۸۲۷	۱۷	۰/۴۲
۳ ماه بعد از آموزش	۱۳/۷۲	۱/۲۹					

مقدار t بدست آمده نشانگر این است آموزش تفکر انتقادی در نگرش کلی نسبت به سوءمصرف مواد بعد از سه ماه در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار نیست. یعنی اینکه بین نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش در دو حالت بلافاصله پس از آموزش و سه ماه بعد از آموزش

تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ وجود ندارد ($Sig=0/42$). بنابراین فرضیه‌ی دوم نیز تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها نشان داد که نگرش کلی نسبت به مواد مخدر با آموزش مهارت تفکر انتقادی تغییر کرده است. به عبارت دیگر آموزش مهارت تفکر انتقادی بر نگرش کلی نسبت به مواد مخدر تأثیر گذاشته است.

از سویی نتایج نشان داد که این که اعمال مداخله (دوره آموزشی)، دارای نتایج مثبت در بین دانش‌آموزان به مدت ۳ ماه می‌باشد. لذا یافته‌ها نشان داد که آموزش مهارت تفکر انتقادی بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به سوءمصرف مواد مخدر مؤثر بوده؛ و هم اثرات پایداری را در نگرش کلی نسبت به مواد مخدر بر جای گذاشت.

در راستای این یافته‌ها، نتایج پژوهش محمدخانی (۱۳۸۵)، نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی تغییر معناداری در تمایل نوجوانان به مصرف مواد و عوامل خطر ساز فردی مصرف مواد از قبیل خودپنداره، مهارت‌های خود کنترلی، مهارت‌های اجتماعی، کانون کنترل و نگرش نسبت به مصرف مواد ایجاد کرده است. در پژوهش عسگری (۱۳۸۴)، آزمودنی‌های گروه آزمایش پس از دریافت آموزش نقش‌گذاری روانی، تغییر معناداری در تغییر نگرش‌هایشان (شناختی، عاطفی، رفتاری)، نسبت به مواد مخدر در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند. در پژوهش رحمتی (۱۳۸۳)، آزمودنی‌های گروه آزمایش، بعد از دریافت آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی تغییر معناداری در نگرش‌هایشان (شناختی، عاطفی، رفتاری)، نسبت به سوءمصرف مواد در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند. باقری (۱۳۸۱)، در تحقیق خود دریافت که اجرای آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر تأثیر دارد.

در مجموع نتایج کلی پژوهش تأیید دیگری بر یافته‌های آن دسته از پژوهش‌هایی است که اثربخشی مداخلات آموزشی از نوع آموزش مهارت‌های زندگی را به عنوان متغیر

مستقل بر پیشگیری از سوءمصرف مواد و متغیرهای مرتبط با آن اثبات نموده‌اند. به طوری که علاوه بر شواهد یاد شده، باتوین و همکارانش (۲۰۰۱، ۱۹۹۴، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲)، در پژوهشی نشان دادند که اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و برنامه‌های ارتقابخشی صلاحیت و مقاومت اجتماعی توانسته است، بر نگرش‌های مرتبط با سوءمصرف مواد به عنوان یکی از متغیرهای میانجی گر مهم در رفتار سوءمصرف مواد اثرات معناداری بر جای بگذارد. همچنین باتوین و همکارانش (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی و صلاحیت فردی و اجتماعی عمومی به دانش‌آموزان، می‌تواند بر نگرش ضد مواد و رفتار سوءمصرف اثرات معنادار بر جای بگذارد.

همچنین بخشی از تأثیر برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی بر تغییر نگرش همسو با دیدگاه ایوانز و همکاران (به نقل از فورمن و لینی، ۱۹۹۱، به نقل از رحمتی، ۱۳۸۳) می‌باشد. آنها در مطالعات خود نشان دادند که آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و مجهز کردن نوجوانان به مهارت‌های ضروری و مورد نیاز، به منظور شناسایی و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و نیز آگاه‌سازی نوجوانان از فنون تبلیغاتی و متقاعدسازی رسانه‌ها و آماده کردن آنها برای مقابله با فشارهای مستقیم و غیرمستقیم همسالان، بر همبسته‌های روان‌شناختی مصرف مواد از قبیل باورها و نگرش‌های آنان نیز تأثیر می‌گذارد.

همچنین نتایج پژوهش حاضر به طور ضمنی با بعضی از دیدگاه‌ها و اصول نظری حاکم بر شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها همسویی دارد. اگر براساس داده‌های تحقیق حاضر در جداول ۱ و ۲ بپذیریم که این پژوهش توانسته است نگرش عده‌ای از دانش‌آموزان را نسبت به سوءمصرف از طریق آموزش تفکر انتقادی تغییر دهد، با نظر بوهنر و وانک (۲۰۰۲)، از این نظر همسو شده است که معتقدند همان‌گونه که شکل‌گیری نگرش تابع اصول یادگیری است، تغییر آن نیز از اصول و قواعد خاصی پیروی می‌کند.

استدلال دیگر بر تأثیر مداخله آموزش روی نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر این است که دانش‌آموزان بعد از قرار گرفتن در معرض مداخله آموزشی دریافته‌اند که

استفاده از موادمخدر نمی‌تواند به منزله راهی مطمئن و پایدار برای مقابله با مشکلات، احساسات منفی و موقعیت‌های فشارزای زندگی باشد. یعنی آموزش توانسته است دانش‌آموزان را در تحلیل منطقی‌تر از مواد در تأمین بعضی از نیازها و جبران کمبودهایشان یاری نماید.

در نظریه‌ی عمل متکی بر استدلال (آجزن و فیش بین، ۱۹۸۰)، نظر بر این بود که سوءمصرف مواد اختصاصاً توسط تصمیم‌گیری نوجوان در شروع رفتارهای ویژه مواد، تعیین می‌شود. در این نظریه، ارتباط میان اطلاعات و نگرش‌ها از یک‌سو و نگرش‌ها و رفتار از سوی دیگر مدنظر است. مداخله آموزشی شرایطی است تا نوجوان با تقویت تفکر منطقی و تیزبینی، تصمیم‌گیری مناسب و معقول اتخاذ نماید.

بر اساس نظر آجزن (۱۹۸۸-۱۹۸۵)، که سوءمصرف مواد را متأثر از سه سازه (نگرش‌ها، هنجارها و کنترل رفتاری ادراک شده) می‌داند، مداخله آموزشی توانسته است موقعیتی ایجاد کند که نوجوان به ابزار تفکر نقاد و منطقی دست یابد و در برابر فشارهای اجتماعی برای مصرف مواد، توانایی مقاومت داشته باشد و بر روی رفتار خود کنترل داشته باشد.

بدین ترتیب، نتایج حاصل از انجام پژوهش حاضر که علاوه بر هماهنگی با چارچوب‌های نظری موجود، از همراهی و حمایت بعضی از پژوهش‌های تجربی برخوردار است، (رحمتی ۱۳۸۳، باتوین و همکاران ۲۰۰۳، محمدخانی ۱۳۸۵، عسگری ۱۳۸۴) هم مؤید جهت‌گیری نظام‌های آموزش و پرورش رسمی به سمت توسعه‌ی مداخلات آموزشی پیشگیرانه از سوءمصرف مواد مخدر در بین کودکان و نوجوانان دانش‌آموز است؛ و هم می‌تواند به منزله یک پشتوانه پژوهشی در جهت تأکید بر ضرورت و اثر بخشی مداخلات آموزشی محسوب شود. خصوصاً آن دسته از مداخلات آموزشی که هدف آنها آموزش مهارت تفکر انتقادی برای مصون‌سازی روانی و ذهنی دانش‌آموزان در مقابل سوءمصرف مواد مخدر و سایر مواد غیر مجاز است.

پژوهش حاضر گامی در جهت درک و فهم و پیشگیری از عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با مصرف مواد در نوجوان است و نتایج قابل قبولی براساس یافته‌های تحقیق، برای پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان ارائه می‌دهد و نشان داد که برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر ارتقاء توانمندی فردی و اجتماعی، در پیشگیری از مصرف مواد در نوجوانان بسیار مؤثرند. برنامه آموزش مهارت تفکر انتقادی، یک برنامه پیشگیری اولیه متمرکز بر فرد است و هدف اصلی آموزش این برنامه، ایجاد تغییر در عوامل فردی و روان‌شناختی مؤثر در گرایش نوجوانان به شروع مصرف مواد محسوب می‌شود. براساس یافته‌های این تحقیق آموزش مهارت تفکر انتقادی به دانش‌آموزان برای تغییر نگرش آنها نسبت به مواد مخدر و پیشگیری از مصرف مواد توصیه می‌شود.

تاریخ دریافت نسخه‌ی اولیه‌ی مقاله: ۱۳۹۰/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت نسخه‌ی نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۸/۱۴

References

منابع

- اخلاقی بوزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۵)، تأثیر آموزش و مشاوره گروهی بر تغییر نگرش معتادان نسبت به مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- رفیع‌زاده تفتی، فاطمه (۱۳۸۴)، بررسی میزان آشنایی دبیران شهرستان تفت با تفکر انتقادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
- رئیزی، امرالله (۱۳۸۲)، بررسی علل میزان و شیوع بزهکاری (فرار از منزل و استفاده از مواد مخدر) در بین دانش‌آموزان استان چهارمحال و بختیاری، استاد ناظر: فرامرز طاهری، شورای تحقیقات.
- شورای نویسندگان، [کمیسیون پیشگیری از اعتیاد استان یزد]، (۱۳۸۲)، اعتیاد پیشگیری یا درمان؟ یزد: نیکو روش.
- طارمیان، فرهاد (۱۳۸۰)، بررسی اثر بخشی برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پیشگیری از سوء- مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان سال اول راهنمایی، دفتر پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر.
- قادری دهکردی، صغری (۱۳۷۹)، بررسی تأثیر طرح آموزشی پیشگیری از اعتیاد بر روی نگرش و آگاهی نوجوانان مقطع راهنمایی شهر کرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد خوراسگان.
- عبدالله‌پور، مرتضی (۱۳۸۷)، اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوءمصرف مواد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مایرز، چت (۱۹۸۶)، آموزش تفکر انتقادی، (ترجمه خدایار ابیلی)، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
- یونسی، جلال (۱۳۸۰)، بررسی اثر بخشی تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد و مواد مخدر در کاهش انگیزه نوجوانان در گرایش به سمت مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- Ajzen, I. and Fishbein, M. (1980). *Understanding Attitude and Predicting Social Behavior*, Englewood Cliffs, NJ; Prentice- Hall.
- American Psychiatric Association (1999). *Substance Abuse and Addiction*, Retrieved from Internet: <http://www.Psych.org/public-info/substance> July 17, 2008.

-
- Beyer, B.K. (1995). *Critical Thinking*, Phi Delta Kappa Education Foundation, (pp.8). Indiana: Bloomington.
- Bohner, G. Wanke, M. (2002). *Attitude and Attitude, Change, USA*. Psychology Press.
- Botvin, G., Griffin, K.W., Diaz, T., Ifill - Williams, C. & Epstein, J.A. (2001). Preventing Binge Drinking During Early Adolescence: One - and two - Year follow - up of a School - based Preventive Intervention, *Psychology of Addictive Behaviors*, 15, 360-365.
- Botvin, G., Griffin, K.W., Paul. E., & Macaulary. A.P. (2003), *Preventing Tobacco and Alcohol Use among Elementary School Students Through Skills Training*, *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, 55, 2, 115-121.
- Eiser. R., Staphen. J., Mallary. W. (1978). *Can TV Influence Drug abuse?* British Journal of Addiction.
- Fishbein, M. (1967). *Reading in Attitude Theory and Measurement*, John Wiley and Sons. Inc.
- Lillian, S. Smith, B.A. (1997). *Probation Officers Attitude and Knowledge about Substance Abuse*, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Masters of Social Work, University of California.
- Lipman, M. (1988). *Critical Thinking - What Can It Be? Educational Leadership*, 46, 1, 38-43.
- Parsekhian, Adik. (2007). *The Relationship Among Substance Abuse, Education, Parental Attitude, History of Physical Abuse, Social Support, And Child Abuse by Adolescent Mothers*, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Social Work, California State University, Long Beach.
- Paul, R. and Elder (1998). *Critical Thinking: Why We Must Transform our Teaching*, *Journal of Development Education*, 36(1), 120-129.
- World Health Organization (WHO) (1997). *Life Skills Education for Children and Adolescents*, Programme on Mental - Geneva.
-